

دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره مناجات شعبانیه

دعا، وسیله مؤمن و ملجأ مضطر و رابطه انسان ضعیف و جاهل با منبع فیاض علم و قدرت است، و بشر یی رابطه روحی با خدا و بدون عرض نیاز به غنی بالذات، در عرصه زندگی سرگشته و درمانده و هدر رفته است: «قل ما یعبدوا بکم ربی لولا دعاؤکم». (اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست (زیرا سابقه خوبی ندارید).^(۱)

بهترین دعا آن است که از سرمعرفتی عاشقانه به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد و این را فقط در مکتب پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه و‌آلوه‌وسلم) و اهل‌بیت طاهریان او – که اوعیه (ظرف)‌علم پیامبر(ص) و وراث حکمت و معرفت اویند – می‌توان جست. ما بجم‌الله ذخیره‌ای بی‌پایان از ادعیه مأثوره از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) داریم که انس با آن، صفا و معرفت و کمال و محبت می‌بخشد و بشر را از آلائش‌ها پاکیزه می‌سازد.

مناجات مأثوره ماه شعبان – که روایت شده اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بر آن مداومت داشتند – یکی از دعاهایی است که لحن عارفانه و زبان شیوای آن، با مضامین بسیار والا و سرشار از معارف عالی‌ای همراه است که نظیر آن را در زیانهای معمولی و محاورات عادی نمی‌توان یافت و اساساً با آن زبان قابل ادا نیست. این مناجات، نمونه کاملی از تضرع و وصف حال برگزیده‌ترین پندگنان صالح خدا یا معبود و محبوب خود و ذات مقدس ربوبی است. هم درس معارف است، هم اسوه و الگوی عرض حال و درخواست انسان مؤمن از خدا.

مناجاتهای پانزده‌گانه که از امام زین‌العابدین حضرت علی‌بن‌الحسین (علیه‌السلام)قل شده، گذشته از خصوصیت بارز داعیی مأثور از اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، این مزیت را داراست که به مناسبت حالات مختلف مؤمن، مناجات‌ها را انشا فرموده است. خداوند به همه توفیق استفاضه و خودسازی به برکت این کلمات مبارک را عنایت فرماید. (۶۹/۱-۱)

۱- سوره فرقان آیه ۷۷

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب
به نقل از فارس

با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

پایبندی به قانون

هنگامی که می‌خوانند مرقد مطهر حضرت امام رضاع(را) غبارروبی کنند، خادم حرم دستمالهای سفیدی را برای انجام عمل غبارروبی به افراد و شخصیت‌های دعوت شده می‌دهند. این دستمال‌ها با گلاب ناب آغشته شده‌اند. رهبر معظم انقلاب این دستمال‌ها را می‌گیرند و پس از غبار رویی، به سر و صورت خود می‌کشند. در یکی از غبار رویی‌ها به آقای طیبسی فرمودند: آیا من می‌توانم این دستمال متبرک را برای خودم بردارم؟
با اینکه توبلت استان قدس رضوی زیر نظر مقام عظیم الشان ولایت است، ولی از آنجا که آقای طیبسی را توبلت آستان مقدس رضوی می‌دانند، خواستند با هماهنگی ایشان و پایبندی به قانون این کار را انجام دهند.

«حجت‌الاسلام محمد علی حقانی (از اعضای بیت – تهران)، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

تقدم نماز قضا بر ادا

س) اگر نماز قضا به عهده شخص باشد، می‌تواند ابتدا نماز واجب بومیه را بخواند و پس از آن نماز را قضا کند؟
ج) کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نمازی که اکنون بر او واجب شده را بخواند؛ ولی احتیاط واجب آن است که اگر فقط یک نماز است ابتدا نماز قضا را بجا آورد به‌خصوص اگر نماز قضا مربوط به همان روز باشد.

کیفیت سجده سهو

س) کیفیت سجده سهو به چه شکل است؟

ج) برای سجده سهو باید پس از سلام نماز قنوا به تبت سجده سهو، پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بنابر احتیاط بگوید: «سم الله و بالله، السلام علیک ایها التبی و رحم‌الله و بر کانه» سپس سر از سجده بردارد و دوباره به سجده رود و ذکر سجده سهو را تکرار کند؛ آنگاه سر از سجده بردارد و تشهد بخواند و سلام دهد.

شرایط امام جماعت

س) امام جماعت چه شرایطی را باید داشته باشد؟

ج) امام جماعت باید عاقل، عادل، شیعه دوازده امامی و حلال‌زاده و بنابر احتیاط، بالغ باشد و نماز را صحیح بخواند و اگر مأوم مرد است، امام هم مرد باشد.

فراموش کردن نماز آیات

س) اگر شخصی نماز آیات را فراموش کند و یا پس از زلزله و مانند آن متوجه شود، خواندن نماز آیات بر او واجب است؟
ج) اگر از سایر حوادث – به جز خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی – در وقت آن مطلع نشود و نماز آیات را – هر چند بر اثر فراموشی – بخواند، باید نماز آیات را به جا آورد اما اگر در وقت آن مطلع نشده و پس از حادثه فهمیده، احتیاط واجب آن است که آن را بجا آورد.

وضو با آب دستگاه تصفیه خانگی
س) امروزه در برخی منازل، دستگاه‌های تصفیه آب وجود دارد که آب‌های مخصوص شرب تحویل می‌دهد. آیا اگر دسترسی به هر دو آب وجود داشته باشد (هم آب لوله‌کشی منازل، هم آب تصفیه شده) می‌توان با آب تصفیه‌شده وضو گرفت؟ آیا وضو با این آب صحیح است؟ (برخی بیان می‌کنند که برای تصفیه این آب، برق مصرف شده و اگر با این آب وضو بگیریم، اسراف است و وقتی اسراف کنیم، وضو هم باطل می‌شود.

تکته: منظور بنده از آب تصفیه‌شده، آب دستگاه‌های آب سردکن در خیابان‌ها، آمزادها... و نیست؛ منظور آب دستگاه‌های تصفیه موجود در منازل می‌باشد.

ج) در فرض سؤال وضو گرفتن اشکال ندارد؛ ولی اگر عرفا اسراف باشد جایز نیست.

وقت نماز عشا

س) آخر وقت نماز عشا تا چه زمانی است؟ اگر کسی آن را تا پس از نیمه‌شب به تأخیر بیندازد به چه نیتی باید نماز عشا بخواند؟
ج) وقت نماز عشا از هنگامی است که به مقدار خواندن نماز مغرب از اول وقت گذشته باشد تا هنگام نیمه‌شب شرعی و تأخیر انداختن نماز مغرب و عشا از نیمه‌شب شرعی جایز نیست. اما در صورتی که نماز مغرب و عشا به‌دلیل وجود آمدن غدری و یا از روی معصیت تا پس از نیمه‌شب به تأخیر بیندند بنابر احتیاط باید آن را تا اذان صبح بدون نیت ادا و قضا (به نیت مافی‌الذمه) به‌جا آورد.

از نظر قرآن، خدا‌با‌هر کسی چنان معامله می‌کند که او با دیگران معامله می‌کند؛ یعنی مبنا و اساس معامله الهی با هر فرد انسانی، معامله آن فرد با دیگران است. این بدان معناست که اگر کسی با دیگری بر اساس عدالت و اصل مقابله به مثل عمل کند، خدا نیز بر اساس همین با او معامله می‌کند؛ اما اگر بر اساس احسان یا ایثار با دیگران معامله کند، خدا نیز بر اساس همین فضائل و مکارم اخلاقی با او معامله می‌کند؛ پس انتظاری بیجا است که انسان در دعا و نیایش خویش از خدا بخواهد: «اللّٰهُمَّ عاملنا بفضلک و لا تعاملنا بِذِلكَ؛ خدا یا با ما با فضل خویش معامله کن و با عدل خویش معامله مکن»، در حالی که خود با دیگران به عدالت مثلی عمل می‌کند و می‌گوید: «...»

سه گانه تعامل با دیگران از نظر قرآن

انسان‌ها با دیگران می‌توانند بر اساس سه شیوه زیر تعامل داشته باشند:

۱. **عدالت مثلی**: از نظر آموزه‌های قرآن، هدایت فطری تکوینی الهی(طه، آیه ۵۰) موجب می‌شود تا انسان‌ها بر اساس سنت حاکم بر هستی، در چارچوب عدالت مثلی با هم تعامل داشته باشند. از همین رو، گاه گفته می‌شود که حکم عقلی همان عدالت مثلی است؛ چرا که مراد از حکم عقلی، همین کشفی است که

از نظر قرآن، در میان اعمال صالح «عفو» در کنار عدالت دو عمل برتری است که «اُقرب للتعوی» است و انسان را سریع‌تر به تقوای الهی و برکات و آثار آن می‌رساند.

عقل انجام می‌دهد و به این سنت الهی حاکم می‌رسد که هر چیزی باید در جای حق خویش قرار گیرد که خدا برای آن قرار داده است. از آنجا که کشفیات دو حجت ظاهری و باطنی الهی، همدان است، همان چیزی را که فطرت عقلی کشف می‌کند، اسلام و حیوانی نیز همان را بیان می‌کند؛ زیرا در سنت الهی تبدیل و تحویلی راه نمی‌یابد و عقل سلیم و نقل و حیوانی یک حقیقت را کشف و بیان می‌کند.روم، آیه ۳۰)

و انسان بر اساس این کشف حجت‌های ظاهری و باطنی، زندگی خویش را سامان می‌دهند، از همین رو عقلاء در همه جهان بر اساس عدالت مثلی، قوانین را تنظیم کرده و تعاملات مردم را مدیریت می‌کنند. پس نیکی در برابر نیکی و بدی در برابر بدی به عنوان کشف عقل و نقل بنیاد اجتماعات انسانی را شکل می‌دهد. خدا در قرآن نیز همین مطلب را بارها به‌اشکال گوناگون بیان کرده است؛ به عنوان مثال در جایی بر اساس عدالت مثلی می‌فرماید: هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؛ آیا پاداش احسان جز احسان است.(حج، آیه ۶۰) یا می‌فرماید: پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید.(بقره، آیه ۱۹۴) یا می‌فرماید: وَمَنْ عَاقَبْ بِمِثْلِ مَا عُوِبَ بِهِ وَهَر كُفِّرَ نَظِيرًا أَنَّهُ بِرَ عَقُوبَتِ رَفَقَةِ اسْتِ دَسْتُ بِهِ عَقُوبَتِ رَند.(حج، آیه ۶۰)

۲. **احسان عفو**: عدالت، پایین‌ترین سطح ارتباطی میان انسان‌ها است؛ اما روابط انسانی می‌بایست فراتر از عدالت در قالب جود و بخشش و احسان باشد؛ زیرا انسان موجودی عاطفی است که اصل «رحم» در وی بسیار قوی‌تر از هر امر دیگری است. نیازهای عاطفی انسان در قالب عدالت مثلی نمی‌تواند پاسخ‌های مثبت و کاملی را دریافت کند؛ از همین رو نیازمند راه‌حلی بالاتر از آن است که از آن به احسان عفوی تعبیر می‌شود. این امر بویژه در روابط همسران و خانواده بیش‌ترین نمود را دارد؛ زیرا روابط میان همسران در قالب خشک عقلی فطری عدالت مثلی نمی‌تواند نیازهای عاطفی را

می‌تواند خود را به آرامش و سکونی برساند که از راه دیگر دست یافتنی نیست؛ پس وقتی چیزی را که بدان نیاز ندارد بدون چشمداشتی به دیگری می‌دهد و این گونه انفاق می‌کند(بقره، آیه ۲۱۹)، یا با ترک انتقام از خون خویشان، نشان می‌دهد که نیازی به انتقام گرفتن ندارد؛ چرا که با این کار مقتول زنده نمی‌شود و باز نمی‌گردد، ولی با این کار از یک امر معروف و پسندیده‌ای پیروی کرده که خدایسپندانه است. (بقره، آیه ۱۷۸) مسلمانان می‌بایست با احسان عفوی با دیگران تعامل داشته و از بدی دیگران بگذرند؛ چرا که خدا در این صورت با امت در دنیا و آخرت با «عفو» تعامل می‌کند؛اگر خبری را آشکار کنید یا پنهانش دارید یا از بدی درگذرید ، خدا در گذشته تواناست. (نساء، آیه ۱۴۹)

از نظر قرآن، در میان اعمال صالح «عفو» در کنار عدالت دو عمل برتری است که «اُقرب للتعوی» است و انسان را سریع‌تر به تقوای الهی و برکات و آثار آن می‌رساند؛ چرا که این عمل از مصادیق «فضل» است که دوست داریم خدا با ما

بر اساس آن معامله کند: وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْتَسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ عفو کردن شما به تقوا نزدیکتر است و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش نکنید زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (بقره، آیه ۲۲۷) کسی که عفو می‌کند در حقیقت، لکه سیاه گناه و بدی دیگران را از ذهن خویش پاک می‌کند و صفحه جدید سپیدی را برای شخص گناهکار و بدکار باز می‌کند و نسبت به آن شخص در مقام غفور ظاهر می‌شود و آموزش را در عمل برای خود و دیگران از خدا می‌خواهد: وَإِنْ تَعْفُوا

راه‌های تعامل با مردم از نگاه قرآن



وَتَصْفَحُوا وَتَعْفُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و اگر عفو کنید، ببخشایید و درگذرید و بیمارزید براستی خدا آمرزنده مهربان است. (تغابن، آیه۱۴) پس انتظار ظهور خدا در مقام غفور رحیم به این است که انسان اهل عفو، گذشت و بخشش باشد. ۳. **اکرام ایثاری**: پیامبر(ص) می‌فرماید: اَمَّا بَعَثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ جز برای اتمام مکارم اخلاقی بر انگیزخته نشده‌ام.(سنن کبری،پیغمفی ج ۱ ص ۱۰ ص ۱۹۲؛ بحارالانوار،علامه مجلسی ج ۶۷ ص ۳۷۲، کنزالعمال، متقی هندی ج ۱۱ ص ۴۲۰ ج ۳۱۹۶۹) و ایسن یعنی اینکه مکارم اخلاقی به عنوان فلسفه بعثت معرفی شده است. این بدین معناست که مسلمانان می‌بایست در سطح مکارم اخلاقی با یکدیگر تعامل داشته باشند تا خدا نیز در همین سطح با آنان با فضل کرامتی خویش تعامل کند.

کرامت بر دو قسم کرامت ذاتی(اسراء، آیه ۷۰) و کرامت اکتسابی(حجرات، آیه ۱۳) تقسیم می‌شود. کرامت ذاتی برای همه انسان‌ها به شرافت روح الهی دیده شده در کالبد و تحقق اسماء و صفات الهی در انسان پدیدار شده است. این کرامت ذاتی می‌بایست با اعمال صالح ظهور و بروز یابد که از آن به تقوای الهی و کرامت اکتسابی یاد می‌شود. همین کرامت اکتسابی یعنی تقوای الهی است که معیار سنجش انسان در دنیا و آخرت است.(حجرات، آیه ۱۳) بنابراین، اگر انسان بخواهد تقوای الهی را داشته باشد باید اعمال صالح خویش را با دو حجت باطنی و ظاهری هماهنگ سازد. البته اعمال صالح دارای تفاوت‌هایی هستند؛ زیرا برخی از آنها ضعیف‌تر و برخی قوی‌تر هستند. از همین‌رو رو عدالت مثلی موجب تقوای عام، احسان

شخصی از پیامبر اسلام پرسید: «ای فرستاده خدا! کاری به من یاد بده که میان آن عمل و بهشت فاصله‌ای نباشد.» پیامبر فرمود: «عصبانی مشو و از مردم چیزی طلب مکن و نیز برای مردم پیسند آنچه را برای خود می‌پسندی.»

برآورده سازد. از همین رو در قرآن آیه «مودت و رحمت» میان روابط همسران سخن به میان آمده است.(روم، آیه ۲۱) البته این مودت و رحمت، خودداری سطوحی است که کمترین آن در احسان عفوی خودمانی می‌کند. احسان به معنای نیکوکاری و عفو به معنای بخشیدن، از زیادتی که بدان نیاز نیست، درجه و سطحی است که انسان در زندگی اجتماعی بدان نیاز دارد تا نیازهای عاطفی خویش و دیگران را در سطح بالاتر از عدالت مثلی پاسخ دهد. خدا از انسان‌ها می‌خواهد در اموری با «عفو» زندگی خویش را ارتقا بخشد و نیازهای عاطفی خود و دیگران را در سطح انسانی بالاتر آورند. عفو بهتر از انتقام و مقابله به مثل است؛ زیرا با وقتی کردن نسبت به چیزی که بدان نیازی ندارد،

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

حضرت علی^(ع) برای تعامل با دیگران در جمله‌ای کلیدی، فرمول طلایی رفتارهای اجتماعی و در واقع شاه کلید مراودات اجتماعی را بیسان می‌کند و می‌فرماید: با دیگران چنان رفتار کنبد که دوست دارید با شما رفتار شود (یعنی همان رفتاری را داشته باشید که شما دوست دارید آنها با شما آن گونه رفتار کنند).

مقام اکرم به انسان عالی‌ترین درس کرامت را می‌آموزد و بدان فضیلت تاج برسرشان می‌گذارد و ایسن گونه جان و روانشان را با کرامت برتر خویش پرورش می‌دهد.(علق، آیه ۳) **میسند ناپسند**

اگر انسان دوست دارد که خدا در دنیا و آخرت با او در سطح عالی کرامت الهی خویش تعامل داشته باشد، می‌بایست همان چیزی را برای دیگران در دنیا پیسندد که دوست دارد بدان دست یابد. پس هرگز ناپسندی را برای دیگران میسندد بلکه در مقام عدالت بیان کرده و در دادگری ان یکسان نگر خواهی بود و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و در سینه اهل زمین به محبت جای خواهی گرفت. این سفارش مرا – به خواست خدا- به خاطر سیار. (تحف العقول، ص ۱۱۳؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۸۶)

چنانکه گفته شد اسلام اصولی چون مقابله به مثل و تعامل به مثل را به عنوان یک اصل عقلانی پذیرفته و تأیید کرده، ولی آن را نه در مقام احسان بلکه در مقام عدالت بیان کرده است تا کسانی که ظرفیت احسان ندارند و اصرار به مقابله به مثل و تلاقی کردن دارند درمقام تعامل به مثل اقدام کنند و بیشتر از آن، تجاوز و تعدی روا ندارند. از این رو دراین مرحله مجاز می‌داند که مقابله و معامله به مثل انجام گیرد: «فن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علی(ع) در سفارش به فرزندش گفت: یا بنی تفهم وصیتی، واجعل نفسک میزانا اقیما! بینک و بین غیرک، فاجب لغیرک ما تحب لنفسک و اگره له ما تکره لنفسک و لا تعظم کما لا تحب ان تعظم (تحب ان لا تعظم)، و احسن کما تحب ان یحسن الیک و استجب لنفسک (من نفسک) ما تستقیحه من غیرک، و ارض من الناس [لک] بما ترضاه لهم من نفسک و لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما علمت مما لا تحب ان یقال لک؛ای پسر!م توصیه ام را دریاب و خودت را ترازو و مقیاس و میزان میان خود و دیگران قرار ده؛ پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود خوش نمی‌داری، برای دیگران هم خوش مدار؛ ستم روا مدار، آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود؛ نیکی کن، آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنده، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار؛ و چیزی را برای مردم بیسند که برای خود می‌پسندی؛ چیزی را که نمی‌دانی مگو، بلکه همه چیزهایی را که می‌دانی مگو از مواردی که دوست نداری که در مورد تو گفته شود. (نهج‌البلاغه طبع صبحی صالح، نامه ۳۱)

علی(ع) فرمود: برای ادب کردن خود همین بس که آنچه را که از دیگری بد می‌شماری، از آن اجتناب کنی؛ برادر مؤمنت همان حق را بر تو دارد که تو بر او داری. (کافی، ج ۸، ص ۲۲) سعدی براساس این قاعده طلایی می‌سراید: هر بد که به خود نمی‌پسندی با کس مکن‌ای برادر من گر مادر خویش دوست داری دشنام مده به مادر من

اگر انسان دوست دارد که خدا در دنیا و آخرت با او در سطح عالی کرامت خویش تعامل داشته باشد، می‌بایست همان چیزی را برای دیگران در دنیا پیسندد که دوست دارد بدان دست یابد.

همچنین در گلستان سعدی آمده است: لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان؛ هر آنچه از ایشان در نظرم ناپسند آمد، از فعل آن پرهیز کردم. سعدی همچنین می‌گوید: بر کس میسند آنچه تو را نیست پسند. در منابع اسلامی نیز این قاعده از قول پیامبران پیشین ذکر شده است: خداوند به حضرت آدم وحی کرد: همه سخنی که با تو دارم را در چهار کلمه برایت گرد آوردم: ...چهارم: اینکه برای مردم آن را خوش داری که برای خود همان را خوش می‌داری؛ و برای مردم بد آنچه برای خود بد می‌داری. (کافی، ج ۲، ص ۱۴۶) لقمان حکیم به پسرش سفارش کرد: فرزند عزیزم! تو را به شش خصلت وامی دارم، که هرکدام از آنها تو را به خشودگی خداوند نزدیک و از خشم او دور می‌کند. ...چهارم آنکه برای مردم آنچه را برای خود دوست می‌داری، دوست بدار؛ و برای آنان آنچه را برای خود بد می‌داری، بد بدار. (بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۴۵۷)

در آنچه خداوند به عیسی مسیح(ع) پند داد آمده است: ای عیسی! آنچه دوست نداری به تو کنند، با دیگران مکن. (کافی، ج ۸، ص ۱۳۸) عیسی مسیح به یکی از یارانش گفت: آنچه نخواهی نسبت به تو کنند، نسبت به هیچ کس مکن. (بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۸۷)

عیسی مسیح فرمود: من بیماران را به اذن خدا شفا دادم، افراد کور و پیسر را به باری خداوند سالم گردانیدم و مردگان را به اذن خدا زنده کردم، ولی نتوانستم احق را معالجه کنم. گفتند:ای روح الهی! احق کیست؟ فرمود: آن خودداری و خودخواهی که همه برتری‌ها را به نفع خود می‌خواهد، نه به ضرر خودش؛ و همه حق را از آن خود می‌داند، نه علیه خود، این همان احقی است که هیچ راهی برای مداواى او نیست. (بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۰) نکته قابل توجه اینکه آنچه در این مطلب آن وارد بهشت شوم! پیامبر فرمود: «آنچه را که دوست داری دیگر مردمان نسبت به تو روا دارند، تو نیز همان را نسبت به آنان روا دار و آنچه را که ناپسند می‌داری دیگران نسبت به تو انجام دهند، تو نیز آن را در حق آنان انجام

صفحه ۸

شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۰

۲۰ شعبان ۱۴۴۲ – شماره ۲۲۷۱۲



داناترین مردم

قال الامام علی(ع): «علم الناس بالله، اکثرهم خشية له» امام علی(ع) فرمود: عالم‌ترین مردم به خدای متعال کسی است که از او خشیت (ترس قلبی) بیشتری داشته باشد.^(۱)



نشانه‌های اهل عرفان و بصیرت

امام علی(ع) درباره اهل عرفان و بصیرت می‌فرماید: صاحب بصیرت کسی است که بشنود و بیندیشد، بنگرد و ببیند و از عبرت‌ها بهره‌گیرد. آنگاه راه روشن و همواری را ببوید و از افتادن در پرتگاه‌های آن و گم شدن در کژراهه‌هایش بپرهیزد و با منحرف شدن از حق، یا تحریف در گفتار، یا ترسیدن از گفتن سخن راست، گمراهان را در گرمراه کردن خویش، یاری نرساند.^(۲)

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۲

۲- غررالحکم، ج ۶۵۸۹



عرفان آموزه‌های وحیانی

پرسش: چه رابطه و نسبتی میان عرفان نظری و عملی و آموزه‌های وحیانی وجود دارد و در این رابطه چه دیدگاه‌هایی مطرح؟ پاسخ:

نسبت تطابق میان عرفان و آموزه‌های وحیانی

علم عرفان هم در بخش نظری و هم در بخش عملی با دین مقدس اسلام تماس و اصطکاک پیدا می‌کند. زیرا اسلام مانند هر دین و مذهب دیگر و حتی بیشتر از هر دین و مذهب دیگری روابط انسان را با خدا و جهان طبیعت و با خودش بیان کرده و هم به تفسیر و توضیح هستی پرداخته است. قهراً اینجا این مسئله مطرح می‌شود که میان آنچه عرفان عرضه می‌دارد با آنچه آموزه‌های وحیانی اسلام بیان کرده است چه نسبتی برقرار است؟ البته عرفای اسلامی هرگز مدعی این نیستند که سخنی ماورای اسلام دارند و از چنین نسبتی سخت تبری می‌جویند. برعکس آنها مدعی هستند که حقایق اسلامی را بهتر از دیگران کشف کرده‌اند، و در واقع مسلمان واقعی آنها می‌باشند. عرفای اسلامی چه در بخش نظری و چه در بخش عملی همواره به کتاب و سنت و سیره نبوی و اهل‌ع(ع) و اکابر صالحه اسلام استناد می‌کنند و ولی دیگران درباره آن‌ها نظرات مختلفی دارند که ذیلاً به شرح می‌پردازیم.

دیدگاه‌های مختلف نسبت به ادعای عرفای اسلامی

۱- نظر گروهی از محدثان و فقهای اسلامی

به عقیده این گروه، عرفا عملاً پایبند به اسلام نیستند و استناد آنها به کتاب و سنت صرفاً عوام‌فریبی و برای جلب قلوب مسلمانان است، و ادعای عرفا و عرفان اساساً ربطی به اسلام ندارد.

۲- نظر گروهی از متجددان عصر حاضر

این گروه که با اسلام میانه خوبی ندارند، و از هر چیزی که بوی اباحیت بدهد و بتوان آن را به‌عنوان نهضت و قیامی در گذشته علیه اسلام و مقررات اسلامی قلمداد کرد، به شدت استقبال می‌کنند مانند گروه اول معتقدند که عرفا عملاً ایمان و اعتقادی با اسلام ندارند، بلکه عرفان و تصوف نهضتی بوده از ناحیه ملل غیرعرب بر ضد اسلام و عرب در زیر پوششی از معنویت، این گروه با گروه اول در ضدیت و مخالفت عرفان با اسلام وحدت نظر دارند و اختلاف نظرشان در این است که گروه اول اسلام را تقدس می‌کنند و با تکیه به احاسانات اسلامی توده مسلمان، عرفا را سرزنش و تحقیر می‌کنند و می‌خواهند بدینوسیله عرفان را از صحنه معارف اسلامی خارج کنند، ولی گروه دوم با تکیه به شخصیت عرفا که بعضی از آنها چنانی هستند می‌خواهند وسیله‌ای برای تبلیغ علیه اسلام بیابند و اسلام را تحقیر کنند که اندیشه‌های طریف و بلند عرفانی در فرهنگ اسلامی با سلام بیگانه است و این عناصر از خارج وارد این فرهنگ گشته است و اسلام و اندیشه‌های اسلامی در سطحی پایین‌تر از این‌گونه اندیشه‌ها است.

۳- گروه بی‌طرف‌ها

از نظری این گروه در عرفان و تصوف، خصوصاً در عرفان عملی و بالاخص آنجا که جنبه عرفای پیدا می‌کند بدعت‌ها و انحرافات زیادی می‌توان یافت که با کتاب‌الله و با سنت معتبر وفق نمی‌دهد، ولی عرفا مانند سایر طبقات فرهنگی اسلامی و مانند غالب فرق اسلامی نسبت به اسلام نهایت خلوص نیت را داشته‌اند و هرگز نمی‌خواسته‌اند بر خداسلام مطعنی گفته و مخالفت کنند باشند. ممکن است اشتباهاتی داشته باشند،همچنان که سایر طبقات فرهنگی مانند: متکلمین، فلاسفه، مفسرین، فقها و... اشتباهاتی داشته‌اند، ولی هرگز سونیتی نسبت به اسلام و با عناد با اسلام در کار نبوده است. مسئله ضدیت عرفا با اسلام عمدتاً از طرف افرادی طرح شده که غرض اصلی داشته‌اند، یا با عرفان و یا با اسلام، اگر کسی بی‌طرفانه و بی‌غرضانه کتب عرفا را مطالعه کند، به شرط آنکه با زبان و اصطلاحات آنها آشنا باشد، اشتباهات زیادی ممکن است بیابد ولی تردید هم نتخواهد کرد که آنها نسبت به اسلام صمیمیت و خلوص کامل داشته‌اند. به نظر می‌رسد نظر سوم ترجیح دارد و اعتقاد اکثریت علما بر این است که عرفا سونیت و عناد نداشته‌اند و در عین حال لازم است افراد متخصص و وارد در عرفان و در معارف عمیق اسلامی، بی‌طرفانه درباره مسائل عرفانی و انطباق آنها با اسلام بحث و تحقیق نمایند.

سلوک عارفانه

آثار یاد خدا در سلوک فردی و اجتماعی

(بنان ای سالک راه خدا) با حق تعالی دل را از منازل و مناظر طبیعت منصرف کند و تمام جهان و جهانیان را از نظر او بیاداند و دلبستگی را احدى غیر از حق پیدا نکند و بسا هیچ چیز دل خوش نکند و همتش به مرتبه‌ای برسد که تمام عوالم وجود در پیش نظر نیاید. پس هر چه واردات قلبی پیدا کند دامنگیر او نشود و خود را به واسطه اهل بزرگ و بزرگوار نشمارد و هر غیر از حق و آثار جمال و جلال او است در نظرش کوچک باشد و این خود منشأ تواضع برای حق شود و به تبع برای خلق، زیرا که خلق را نیز از حق ببندد و همین منشأ عزت نفس و بزرگواری می شود زیرا که روح تلقی که از نفع‌طلبی و خودخواهی پیدا شود، در او نیست.^(۱)

۱- شرح جنود عقل و جهل، امام خمینی(ره)، ص ۳۳۸

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۲۹۴۱۹۹۱ – ۳۲۸۲۰۲۲۲۱
MaarefKayhan@Kayhan.ir